ارزیابی فقر آموزشی ایران در چارچوب یک رویکرد چندبعدی به اندازه‌گیری فقر[1]

دکتر اسمعیل ابونوری*
دکتر علی اصغر سالم**
جواد عرب یارمحمدی***

چکیده

اندازه‌گیری فقر چندبعدی از موضوعات نسبتاً جدید در حوزه اندازه‌گیری فقر است و رویکرد الکایر و فوستر به این مقوله به شاخصهایی منتهی می‌شود که امکان تفکیک نقش بُعد آموزش در فقر چندبعدی را مهیا می‌سازد. در این مقاله پس از اندازه‌گیری فقر چندبعدی با به کارگیری ابعاد مورد استفاده در شاخص فقر چندبعدی جهانی برای دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴، سهم بعد آموزش و شاخصهای زیر مجموعه آن مشتمل بر وضعیت تحصیلی سرپرست خانوار و تحصیل کودکان در فقر چندبعدی محاسبه شده است. همچنین، ملهم از رویکرد الکایر و فوستر به اندازه‌گیری فقر، فقر آموزشی و فقر آموزشی شدید برای کشور و استانها محاسبه شده است. بر اساس نتایج سهم بعد آموزش در فقر چندبعدی بالاتر از هر بعد دیگر بوده و نزدیک به ۵۰ درصد از بار فقر چندبعدی به عهده بعد آموزش است. نرخ فقر آموزشی در مناطق شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۹۴ به ترتیب ۴۲ و ۶۶ درصد و نرخ فقر آموزشی شدید در مناطق شهری و روستایی در همین سال ۳ و ۰/۹ درصد بوده که در مقایسه با سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است. در سال ۱۳۹۴ استان کردستان بیشترین فقر آموزشی در مناطق شهری، استان قم بیشترین فقر آموزشی در مناطق روستایی و استان سیستان و بلوچستان بالاترین فقر آموزشی شدید را در مناطق شهری و روستایی داشته‌اند.

کلید واژگان: فقر آموزشی، فقر چندبعدی، روش الکایر و فوستر، نسبت سرشمار تعدیل شده

طبقه‌بندی JEL: I32، I21، I24

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۱۹

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری جواد عرب یارمحمدی در دانشگاه سمنان با عنوان «رویکرد چندبعدی به اندازه‌گیری فقر؛ مفاهیم نظری و شواهد تجربی» است.

* استاد گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری دانشگاه سمنان e.abounoori@profs.semnan.ac.ir
** استادیار گروه اقتصاد نظری دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی salem@atu.ac.ir
*** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول) javad.yarmohamadi@gmail.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

مقدمه

نگرش به مفهوم فقر و مسائل معطوف به اندازه‌گیری آن در طول زمان با تغییرات چندی مواجه شده و این تغییر، دیدگاهها را در زمینهٔ رابطهٔ میان فقر و آموزش تحت تأثیر قرار داده است. تا پیش از آنکه سِن[1] (۱۹۸۵) موضوع فقر قابلیتی را مطرح کند، گردآوری و ارائه اطلاعات برای سیاستگذاران و تصمیم‌گیران و پژوهشها در زمینه فقر، روی درآمدها و هزینه‌ها و وجوه مختلف شاخصهای فقر درآمدی متمرکز بود. از این رو رابطه میان فقر و آموزش رابطه ای دو سویه تصویر می‌شد که از طرفی آموزش با ایجاد امکان دستیابی به شغل مناسب‌تر می‌توانست به درآمد بیشتر و در نتیجه رهایی از فقر منجر شود و از طرف دیگر فقر درآمدی می‌توانست به واسطه کمبود منابع مالی منجر به عدم مشارکت در برنامه‌های آموزشی شود و سطح پایین آموزش را در پی داشته باشد.

سِن (۱۹۸۵) سرآغازی برای رویکرد چندبُعدی به مسئله فقر بود. وی با مطرح کردن فقر قابلیتی، پایه‌گذار نگرش چندبُعدی به اندازه‌گیری فقر شد. با انتشار شاخص توسعه انسانی[2] از سوی برنامه توسعه سازمان ملل[3] در سال ۱۹۹۰، حرکتی مشخص به سوی رویکرد چندبعدی به فقر، آغاز گردید. امروزه فقر با توجه به شرایط انسانی تعریف می‌شود که ضعف در بسیاری از ابعاد زندگی را در بر می‌گیرد.

الکایر و فوستر[4] (۲۰۱۱) برای کمّی‌سازی مفهوم فقر چندبعدی، روشی را ارائه کردند که در آن ده شاخص در قالب سه بُعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. آموزش، نخستین بُعد از این ابعاد است. این روش اینک در قالب شاخص فقر چندبعدی جهانی[5] برای بیش از صد کشور در حال توسعه (که ایران در زمره آنها نیست) محاسبه و در قالب گزارش توسعه انسانی منتشر می‌شود.

مقوله فقر آموزشی یکی از موضوعات اجتماعی مورد توجه در ایران است، اما مقدمه سیاستگذاری در این باب، شناسایی مختصات فقر آموزشی در کشور و در مناطق گوناگون است. چارچوب فقر چندبعدی و روش ارائه شده از سوی الکایر و فوستر (۲۰۱۱) زمینه ای مناسب و دارای مقبولیت را در اختیار قرار می‌دهد که می‌توان از خلال آن هم به اندازه‌گیری فقر آموزشی رسید و هم سهم و نقش آموزش در فقر را محاسبه کرد و مورد مداقه قرار داد.

1. Sen
2. Human Development Index
3. United Nations Development Program (UNDP)
4. Alkire & Foster
5. Global Multidimensional Poverty Index

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

مبانی نظری

۱. اندازه‌گیری فقر چندبعدی

پس از سِن (۱۹۷۶) اندازه‌گیری فقر، مفهومی به صورت دنبال کردن دو گام اصلی به خود گرفت: شناسایی کسانی که فقیرند و تجمیع[1] (همفزون‌سازی) اطلاعات در مورد فقر در میان جامعه. سن (۱۹۸۵) محرومیت از قابلیت داشتن یک زندگی خوب را به منزلهٔ فقر مطرح ساخت، صرف نظر از اینکه این محرومیت ناشی از چه عاملی است. به عنوان مثال کسی که مسیری را با دوچرخه طی می‌کند، از طی کردن مسیر لذت می‌برد و مطلوبیت به دست می‌آورد. حال اگر وی به دلیل پایین بودن درآمد امکان تهیه دوچرخه را نداشته باشد از این لذت محروم می‌شود. اما اگر وی درآمد کافی برای در اختیار گرفتن دوچرخه را داشته باشد، اما معلول باشد و به دلیل معلولیت امکان رکاب زدن نداشته باشد، باز هم مطلوبیت طی مسیر با دوچرخه را کسب نخواهد کرد. بنابراین چه درآمد وجود نداشته باشد و چه سلامت، هر دو کارکردی مشابه برای جلوگیری از دستیابی به مطلوبیت دارند. از این دید است که تعریف فقر تنها به منزلهٔ کمبود درآمد با محدودیت مواجه شده و چارچوب فقر چندبعدی که علاوه بر درآمد سایر وجه‌های زندگی را نیز در برمی‌گیرد، از توجه هرچه بیشتری برخوردار شده است.

مثال فوق اهمیت محرومیت در سلامت به منزلهٔ نمودی از فقر را نشان می‌دهد. این موضوع در مورد آموزش نیز صادق است. عدم برخورداری از سواد لذتهای فراوانی را محدود می‌کند؛ از عدم امکان حل و فصل بسیاری از نیازمندیهای روزمره گرفته تا محرومیت از لذت مطالعه یک داستان جذاب یا بسیاری مطالب مورد نیاز دیگر زندگی اجتماعی امروز. در واقع محرومیت در آموزش و بیسوادی نوعی فقر است به جای آنکه عامل مؤثر یا تأثیرپذیر از فقر شناخته شود.

در فضای فقر درآمدی شناسایی اینکه چه کسی فقیر است، تقریباً ساده و روشن است: فقرا کسانی هستند که مجموع درآمد آنها زیر خط فقر (z) قرار می‌گیرد. اما فرایند شناسایی در رویکرد چندبعدی به اندازه‌گیری فقر، دارای پیچیدگیهای متعدد است. یکی از این پیچیدگیها تعریف فهرستی از ویژگیهای مرتبط است که باید مد نظر قرار گیرد و علاوه بر آن در مورد اهمیت هریک از این ویژگیها تصمیم‌گیری شود.

پس از انتخاب متغیرهای (ابعاد) دخیل، لازم است یک سطح حداقلی در هر بعد تعریف شود که آن عبارت است از مقدار دستاوردی که لازم است فرد در آن بُعد به دست بیاورد تا غیرمحروم

1. Aggregation

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

طبقه‌بندی شود. وقتی که دستاورد یک فرد در بعدی خاص اکیداً پایین‌تر از حد محرومیت تعریف شده برای آن بعد باشد، وی در بُعد مزبور محروم در نظر گرفته می‌شود. حد محرومیت در بعد jام با z_j نشان داده شده است و حدهای محرومیت برای تمام ابعاد بردار $z=(z_1,\ldots,z_d)$ بعدی d خواهد بود. دستاوردهای تمام افراد درون جامعه با ماتریس دستاورد $n\times d$ (n شمار افراد و d تعداد ابعاد) به نام X نشان داده می‌شود که به صورت زیر است:

ابعاد

$$X=\begin{bmatrix} x_{11} & \cdots & x_{1d} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ x_{n1} & \cdots & x_{nd} \end{bmatrix} \quad \text{افراد}$$

با در اختیار داشتن ماتریس دستاورد X و بردار حدود محرومیت z می‌توان محروم بودن یا نبودن هر فرد را تعیین و به ماتریس محرومیت g^0 دست یافت که عناصر آن برای تمام افراد ($i=1,\ldots,n$) و ابعاد ($j=1,\ldots,d$) هرگاه $x_{ij}<z_j$ باشد $g_{ij}^0=1$ خواهد بود و در غیر این صورت $g_{ij}^0=0$ است. به عبارت دیگر، اگر فرد i در بعد j محروم باشد، آنگاه مقدار ۱ به وضعیت محرومیت وی اختصاص می‌یابد و در غیر این صورت وضعیت محرومیت فرد عدد صفر را به خود می‌گیرد. بنابراین ماتریس $g^0(X)$ وضعیت محرومیت تمام n فرد را در تمام j بعد ماتریس X نشان می‌دهد. بردار $g_{i.}^0$ وضعیت محرومیت فرد i در تمام ابعاد و بردار $g_{.j}^0$ وضعیت محرومیت تمام افراد در بعد j را نشان می‌دهد. با توجه به ماتریس g^0 می‌توان درجه محرومیت[1] c_i برای فرد i را به صورت $c_i=\sum_{j=1}^{d} w_j g_{ij}^0$ به‌دست آورد. در واقع، c_i جمع وزنی محرومیتهایی را نشان می‌دهد که فرد i از آنها رنج می‌برد. در مورد خاصی که وزنها با یکدیگر مساوی و جمع آنها معادل تعداد محرومیتها باشد، امتیاز محرومیت به شکلی ساده معادل تعداد محرومیتهایی است که فرد آنها را تجربه می‌نماید.[2]

تابع شناسایی را با ρ نام‌گذاری می‌کنیم، به طوری که $\rho(.)=1$ فرد i را فقیر و $\rho(.)=0$ فرد i را غیرفقیر شناسایی می‌کند. راههای گوناگون بسیار برای شناسایی فرد فقیر در فضای چندبعدی وجود دارند. برای مشخص کردن تابع شناسایی، حداقل دو رویکرد را می‌توان دنبال

1. Deprivation score

۲. عبارات «فقیر» (Poor) و «محروم» (Deprived) در ادبیات اندازه‌گیری فقر چندبعدی مترادف یکدیگر نیستند. ممکن است فردی که در یک بُعد مشخص محروم است لزوماً فقیر در نظر گرفته نشود. محرومیت مربوط به هریک از ابعاد است و فقر به صورت کلی و با توجه به تمام ابعاد تعبیر و تعیین می‌شود.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

کرد؛ «رویکرد دستاورد تجمعی»[1] و «رویکرد دستاوردهای سانسور شده»[2]. «روش شمارش»[3] یکی از روشهای ممکن در زیرمجموعه رویکرد دستاوردهای سانسور شده است که در آن فرد فقیر با توجه به (شمارش) تعداد ابعادی که فرد در آنها محرومیت را تجربه می‌کند، شناسایی می‌شود. در اینجا تعداد، دارای معنایی گسترده است به طوری‌که ممکن است در آن ابعاد از وزنهایی متفاوت برخوردار باشند (الکایر و همکاران، ۲۰۱۵).

۲. روش الکایر و فوستر (AF) برای اندازه‌گیری فقر چندبعدی[4]

روش AF برای اندازه‌گیری فقر چندبعدی خانواده‌ای از معیارها را خلق می‌کند که مبتنی بر رویکرد شمارش است و طبقه معیارهای FGT را بسط می‌دهد. این روش مجموعه متغیرهایی را مشخص می‌کند که خانوارها به طور همزمان در آنها محروم هستند و پروفایل محرومیت ایشان را به صورت درجه محرومیت وزنی، خلاصه می‌کند. اگر میزان محرومیت افراد از حد فقر تجاوز کند، ایشان به عنوان فقیر چندبعدی شناسایی می‌شوند. در اینجا شمار افراد فقیر می‌تواند برای نسبت سرشمار مورد استفاده قرار گیرد. اما این اشکال بروز می‌کند وقتی که فرد فقیر نسبت به گذشته در یک بعد بیشتر هم محروم شود، میزان شاخص فقر تغییر نمی‌کند. برای رفع این اشکال، الکایر و فوستر درجه محرومیت هر فرد را (که به نوعی شدت فقری که تجربه می‌شود را نشان می‌دهد) در محاسبه شاخص فقر دخیل می‌کنند.

جامعه‌ای با n عضو (خانوار) و d بعد را به عنوان ابعاد فقر چندبعدی در نظر بگیرید. با توجه به ماتریس $n \times d$ دستاوردهای X و یک بردار محرومیت z، ماتریس محرومیت مرتبط با X به صورت $g^0 = \left[g_{ij}^0 \right]$ به دست می‌آید که عنصر نمونه g_{ij}^0 وقتی که $x_{ij} < z_j$ باشد عبارت است از $g_{ij}^0 = w_j$ و در غیر این صورت ($x_{ij} \geq z_j$) عبارت است از $g_{ij}^0 = 0$. ماتریس g^0 یک ماتریس $n \times d$ است که عنصر ij ام آن، وقتی که فرد i در بعد j محروم است، معادل w_j بوده و وقتی که فرد در آن بعد محروم نیست، معادل صفر است. بدیهی است که جمع وزنهای مربوط به هر بعد که همان w_jها هستند، معادل یک است. بردار سطری iام ماتریس g^0 که به صورت g_i^0 نشان داده می‌شود، بردار محرومیت فرد i است. همچنین بردار ستونی jام ماتریس

1. Aggregate achievement approach
2. Censored achievement approach
3. Counting approach

۴. مستفاد از الکایر، روش(Roche)و واز (Vaz) (۲۰۱۵) و الکایر و همکاران (۲۰۱۵)

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

g^0 که آن را به صورت g_j^0 نشان می‌دهیم، توزیع محرومیت در بعد jام در میان جامعه را نشان می‌دهد. از ماتریس g^0 می‌توان بردار ستونی c را ساخت که این بردار، درجه محرومیت وزنی افراد است و در آن عضو iام یعنی $c_i = g_i^0$ جمع وزنی ابعادی را نشان می‌دهد که فرد i در آنها محروم است.

در روش الکایر و فوستر یک حد ثانی (k) نیز برای شناسایی فقیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای $0 < k \leq 1$، تابع ρ_k را تابع شناسایی در نظر می‌گیریم که به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\begin{cases} \rho_k(x_i, z) = 1 & if \quad c_i \geq k \\ \rho_k(x_i, z) = 0 & if \quad c_i < k \end{cases} \qquad (۱)$$

به عبارت دیگر ρ_k فرد i را اگر درجه محرومیت وی، حداقل به اندازه k باشد؛ در غیر این صورت وی فقیر محسوب نخواهد شد.

ماتریس $g^0(k)$ را از ماتریس g^0 و از طریق جای‌گذاری بردار صفر به جای سطر iام آن، وقتی که $\rho_k(x_i, z) = 0$ است، به دست می‌آوریم. روشن است که $g_{ij}^0(k) = g_{ij}^0 \rho_k(x_i, z)$. همچنین بردار سانسور شده درجات محرومیت $c(k)$ را برای تمام $i = 1, ..., n$ به صورت $c_i(k) = \rho_k(x_i; z)c_i$ تعریف می‌کنیم.

در نهایت و به عنوان گام تجمیع، نسبت سرشمار تعدیل شده[1] (M_0) عبارت است از:

$$M_0 = d[\mu(g^0(k))] = \mu(c(k)) = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n} c_i(k) = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}\sum_{j=1}^{d} w_j g_{ij}^0 \qquad (۲)$$

شاخص شکاف فقر تعدیل شده (M_1) به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$M_1 = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}\sum_{j=1}^{d} w_j g_{ij}^1(k) \qquad (۳)$$

که در آن $g_{ij}^1(k) = g_{ij}^1 \rho_k(x_i, z)$ است و $g_{ij}^1 = g_{ij}^1 \times (z_j - x_{ij})/z_j$.

و مجذور شکاف فقر تعدیل شده (M_2) نیز به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$M_2 = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}\sum_{j=1}^{d} w_j g_{ij}^2(k) \qquad (۴)$$

1. Adjusted headcount ratio

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

که در آن $g_{ij}^2(k)=g_{ij}^2\rho_k(x_i,z)$ است و $g_{ij}^2=g_{ij}^0\times[(z_j-x_{ij})/z_j]^2$. به همین شکل این شاخصها را می‌توان به M_α بسط داد.[۱]

۳. فقر آموزشی در چارچوب فقر چندبعدی

یکی از ویژگیهایی که شاخص فقر چندبعدی ساخته شده بر مبنای روش الکایر و فوستر دارد، ویژگی تفکیک‌پذیری بعدی[۲] است. این ویژگی اشاره به امکان تفکیک کردن و شکستن فقر به وسیله محرومیتهای افراد فقیر در میان ابعاد دارد و مستلزم آن است که فقر کل مساوی جمع وزنی محرومیتهای بُعدی، پس از فرایند شناسایی $P_j\left(x_{.j};z\right)$ باشد. به بیان فنی برای یک ماتریس دستاورد $n\times d$ بُعدیِ X، $P(X;z)=\sum_{j=1}^{d}w_jP_j\left(X_{.j};z\right)$ است که در آن w_j وزن اختصاص یافته به بُعد j و $P_j\left(X_{.j};z\right)$ شاخص محرومیت بُعدی پس از شناسایی در بُعد j است.[۳] این ویژگی اجازه می‌دهد که شاخص فقر چندبعدی به ابعاد مختلف تفکیک شده و نقش هریک از متغیرها و ابعاد در شاخص فقر چندبعدی مشخص شود.

برای تفکیک نسبت سرشمار تعدیل شده (M_0) الکایر و فوستر باید مفهومی به نام نسبت سرشمار سانسورشده[۴] مربوط به هر بعد را که آن را به $h_j(k)$ نشان می‌دهیم معرفی کنیم. نسبت سرشمار سانسور شده مربوط به یک بعد درصدی از جمعیت است که به صورت چندبعدی فقیر و در عین حال در بعد مورد بررسی هم محروم باشند. روشن است که نسبت سرشمار سانسور شده مربوط به هر بعد تابعی از حدثانی (k) است. چرا که با حدود ثانی متفاوت، اشتراک افراد فقیر چندبعدی (افرادی که $c_i\geq k$ است) و محروم در بعد j متفاوت خواهد بود. به عبارت دیگر همانگونه که باتیستن، کروسس، لوپز کالوا، لوگو و سانتوس[۵] (۲۰۱۳) نشان داده اند:

$$h_j(k)=\frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}g_{ij}^0(k) \qquad (۵)$$

حال با در نظر داشتن معادله (۲) می‌توان نوشت:

---

۱. هنگامی که در میان متغیرها و ابعاد مورد بررسی متغیرهای ترتیبی وجود داشته باشد، تنها نسبت سرشمار و نسبت سرشمار تعدیل شده قابل محاسبه هستند و سایر شاخصهای خانواده الکایر و فوستر قابل محاسبه نیستند.

2. Dimensional breakdown

۳. در خصوص انواع ویژگیهای شاخصهای فقر رجوع شود به سویی (۲۰۰۲).

4. Censored headcount ratio

5. Battiston, Cruces, Lopez-Calva, Lugo & Santos

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

$$M_0 = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}\sum_{j=1}^{d} w_j g_{ij}^0(k) = \sum_{j=1}^{d} w_j \left[\frac{1}{n}\sum_{j=1}^{d} w_j h_j(k)\right] = \sum_{j=1}^{d} w_j h_j(k) \quad (۶)$$

همانگونه که ملاحظه می‌شود، شاخص نسبت سرشمار تعدیل شده الکایر و فوستر برای فقر چندبعدی را می‌توان به صورت جمع وزنی نسبت سرشمار سانسور شده تمام ابعاد (یا شاخصها) نوشت و دقیقاً به همین دلیل است که این شاخص ویژگی تفکیک بعدی را تأمین می‌نماید.

علاوه بر این چارچوب شاخص فقر چندبعدی جهانی و متدولوژی الکایر و فوستر اجازه می‌دهد که به فقر آموزشی به صورت مجزا پرداخته شود. اگر به جای فقر (در حال عام) فقر آموزشی مورد توجه قرار گیرد و تنها با دخیل کردن متغیرهای معطوف به آموزش و وزن‌دهی این متغیرها و همچنین تعیین حد ثانی به اندازه‌گیری فقر با رویکرد چندبعدی بپردازیم، نتیجه فقر آموزشی خواهد بود. همچنان می‌توان در انتخاب شاخصها و ضرایب اهمیت به MPI جهانی تکیه کرد. مزیت این امر، مقبولیت این شاخصها و ضرایب اهمیت آنها در مقیاس جهانی است.

مروری بر مطالعات انجام شده

در دایره بررسیهای انجام شده، به طور کلی موضوع اندازه‌گیری فقر آموزشی چندان مورد توجه مطالعات داخلی نبوده و به طریق اولی با توجه به مهجور بودن ادبیات مرتبط با اندازگیری فقر چندبعدی، از این رویکرد برای ارزیابی فقر آموزشی نیز استفاده نشده است. مقاله معززی و همکاران (۱۳۹۵) از معدود مطالعاتی است که در باب اندازه‌گیری فقر آموزشی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این مطالعه فقر آموزشی روستایی در سال ۱۳۹۲ با استفاده از طرح هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در سطوح تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان محاسبه شده است. بر اساس نتایج، نرخ فقر در سطوح تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان به ترتیب ۰/۹۶ درصد، ۱۷/۳۶ درصد و ۹/۶۱ درصد بوده است. همچنین نتیجه‌گیری شده که یک چهارم از خانوارهای روستایی از توانایی لازم برای بهره‌مندی از آموزش رسمی برخوردار نیستند. چند نمونه از مطالعات بین‌المللی به قرار زیر است:

دانگد و هافمن[1] (۲۰۱۷) فقر چندبعدی در کشور آمریکا را در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ با استفاده از رویکرد الکایر و فوستر مورد بررسی قرار دادند. بر اساس بررسیهای ایشان محرومیت در بعد آموزش از ۱۱ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است. ۱۵ درصد از آمریکاییها از فقر چندبعدی رنج می‌برند که بالاتر از نرخ فقر درآمدی است. کم بودن تحصیلات،

1. Dhongde & Haveman

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

مشکلات محل سکونت و در اختیار نداشتن بیمه سلامت مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فقر بوده‌اند. در واقع ۷۰ درصد از افرادی که به صورت چندبعدی فقیر محسوب شده‌اند، هیچ نوع بیمه سلامتی ندارند، ۵۰ درصد ایشان دبیرستان را تمام نکرده‌اند و نیمی از آن جمعیت از هزینه بالای محل سکونت رنج می‌برند.

باتانا[1] (۲۰۱۳) با به کارگیری روش الکایر و فوستر، به اندازه‌گیری فقر چندبعدی برای زنان پانزده تا چهل و نه ساله در ۱۴ کشور آفریقای زیرصحرا پرداخت. این مطالعه برای سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ (بسته به وجود اطلاعات برای هر کشور یک سال در این بازه) به اندازه‌گیری فقر چندبعدی در کشورهای آفریقای زیر صحرا پرداخته و میزان فقر چندبعدی را در کشورهای گوناگون با یکدیگر مقایسه کرده است. بر اساس نتایج این مطالعه، پایین بودن سطح تحصیلات مهم‌ترین عامل فقر چندبعدی در این کشورها بوده است. در ۶ کشور از ۱۴ کشور مورد بررسی، بیش از ۷۰ درصد از زنان تحصیلات ابتدایی خود را به پایان نرسانده‌اند. بر اساس این نتایج بین ۲۶/۹ درصد (کنیا) تا ۳۶/۲ درصد (بنین) از بار فقر چندبعدی زنان آفریقای سیاه را محرومیت در بعد آموزش ایجاد کرده که به طور متوسط سهمی بالاتر از سایر ابعاد است.

کاسترو[2] و همکاران (۲۰۱۲) از نسبت سرشمار چندبعدی الکایر و فوستر استفاده کردند و به برآورد فقر چندبعدی در کشور پرو در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ پرداختند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که نسبت افراد فقیر چندبعدی در کشور پرو از ۳۸/۳ درصد در سال ۲۰۰۴ به ۳۲/۹ درصد در سال ۲۰۰۸ کاهش یافته است. این در حالی است که فقر پولی در همین بازه از ۴۸/۶ درصد به ۳۶/۲ درصد کاهش یافته است. در بررسی اجزای شاخص فقر نیز نتیجه گرفته شده است که فقر بیش از همه مرتبط با فقدان آب مناسب و سیستم فاضلاب است.

یافته‌های پژوهش

۱. فقر چندبعدی و نقش آموزش در فقر

یکی از موضوعات مهمی که در اندازه‌گیری فقر باید مورد توجه قرار گیرد، انتخاب متغیرهای سنجش رفاه است. همکاری مشترک دانشگاه آکسفورد و سازمان ملل متحد، با بررسی مطالعات پیشین در زمینه وضعیت فقرا از جمله مطالعه «صدای فقرا»[3] (نارایان پارکر و پاتل[4]، ۲۰۰۰) و نیز

1. Batana
2. Castro
3. Voices of the Poor
4. Narayan-Parker & Patel

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

جمع‌بندی نظرات دانشمندان حوزه فقر، مجموعه‌ای از ابعاد و شاخصها را معرفی کرده است که مبنای شاخص فقر چندبعدی جهانی است. ملهم از شاخصهای مطرح شده در MPI جهانی و با در نظر گرفتن محدودیتهای آماری موجود، ده شاخص زیر برای بررسی فقر چندبعدی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.[۱]

جدول ۱: ابعاد، وزنها و حدود محرومیت در محاسبه فقر چندبعدی

بعد (وزن بعد)	شاخص (وزن شاخص)	حد محرومیت (z_j)/ خانوار وقتی محروم محسوب می‌شود که:
آموزش ($1/3$)	سالهای تحصیل ($1/6$)	سرپرست خانوار ۵ کلاس تحصیل نداشته باشد
	تحصیل کودکان ($1/6$)	حداقل یک کودک در سن تحصیل (۶ تا ۱۶ سال) وجود داشته باشد که تحصیل نمی‌کند.
سلامت ($1/3$)	معلولیت و بیماری خاص ($1/6$)	وجود بیمار خاص و معلول در اعضای خانوار
	برخورداری از تغذیه مناسب ($1/6$)	وجود توانایی مصرف روزانه ۲۱۰۰ کالری برای هریک از اعضای خانوار
تسهیلات زندگی ($1/3$)	دسترسی به برق ($1/18$)	در منزل به برق دسترسی نداشته باشد.
	سیستم تخلیه فاضلاب ($1/18$)	سیستم تخلیه فاضلاب ندارد و یا مشترک با خانوار دیگر است.
	سوخت خوراک پزی ($1/18$)	سوخت خوراک پزی خانوار چوب، زغال چوب یا کود حیوانی باشد.
	دسترسی به آب سالم ($1/18$)	خانوار به آب لوله‌کشی دسترسی نداشته باشد.
	وضعیت محل زندگی ($1/18$)	مساحت سرانه محل سکونت خانوار کمتر از ۱۰ متر مربع باشد
	تملک کالاهای بادوام ($1/18$)	خانوار حداکثر یکی از کالاهای رادیو، تلویزیون، تلفن، دوچرخه، موتورسیکلت، یخچال، را در تملک داشته باشد و ماشین یا تراکتور نیز نداشته باشد.

با در نظر گرفتن رویکرد الکایر و فوستر به اندازه‌گیری فقر چندبعدی و در نظر گرفتن حدثانی (k) برابر با یک سوم کل شاخصها، نتایج اندازه‌گیری فقر چندبعدی در جدول شماره ۲ گزارش شده است. در فاصله میان سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴، نسبت سرشمار فقر چندبعدی H (شیوع فقر) روستایی از حدود ۲۶/۷ درصد به ۲۹/۷ درصد افزایش یافته است. این بدان معناست که نسبت افراد روستایی که با فقر مواجه اند افزایش داشته است. در مقابل، شدت فقر A خانوارهای روستایی از ۰/۴۱ به ۰/۳۶ کاهش یافته است. بنابراین نسبت سرشمار تعدیل شده (M_0) که از

۱. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از پردازش اطلاعات خام طرح هزینه – درآمد خانوار، که سالانه از سوی مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، حاصل شده است. حجم نمونه در سالهای اخیر به ۴۰ هزار خانوار شهری و روستایی و بیش از ۱۴۰ هزار نفر می‌رسد. قلمرو بررسی، جامعه شهری و روستایی ایران در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴ است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

حاصلضرب نسبت سرشمار و شدت فقر به دست می آید، در مناطق روستایی از ۰/۱۱ به ۱۰/۸ کاهش یافته است.

در مناطق شهری نیز این روند برای نسبت و شدت فقر دنبال شده است. به طوری که نسبت سرشمار از ۱۵/۷ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۲۶/۱ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. در مقابل شدت فقر از ۰/۳۷ به ۰/۳۴ کاهش یافته است. اما به خلاف روستاها، افزایش شیوع فقر با کاهش شدت کامل جبران نشده و در نتیجه نسبت سرشمار تعدیل شده از ۰/۰۵۹ به ۰/۰۹ افزایش یافته است.

جدول ۲: فقر چندبعدی در خانوارهای شهری و روستایی

شاخص	۱۳۸۴		۱۳۹۴	
	روستایی	شهری	روستایی	شهری
نسبت سرشمار	۰,۲۶۶۷	۰,۱۵۷۴	۰,۲۹۷۲	۰,۲۶۱۰
شدت	۰,۴۱۳۲	۰,۳۷۳۱	۰,۳۶۲۶	۰,۳۴۵۵
نسبت سرشمار تعدیل شده	۰,۱۱۰۲	۰,۰۵۸۷	۰,۱۰۷۸	۰,۰۹۰۲

مقایسه میزان فقر چندبعدی محاسبه شده برای ایران با ۱۰۴ کشور دیگری که این شاخص برای آنها محاسبه می‌شود حاکی از آن است که ایران در رتبه ۵۲ در میان ۱۰۵ کشور در حال توسعه قرار می‌گیرد. این در حالی است که به لحاظ شاخص توسعه انسانی (HDI) ایران ششمین کشور دارای بالاترین میزان توسعه در میان این ۱۰۵ کشور است. همچنین اگر معیار درآمد ناخالص ملی (GNI) سرانه مورد توجه باشد، رتبه ایران در میان کشورهای مورد بررسی ۲۲ خواهد بود و چنانچه ضریب جینی به عنوان معیار سنجش نابرابری درآمدی مورد توجه باشد، در میان ۸۸ کشور در حال توسعه‌ای که اطلاعات آنها وجود دارد ایران در رتبه چهل و چهارم قرار می‌گیرد.

همان‌گونه که پیشتر ذکر شد از آنجا که خانوادهٔ معیارهای AF خاصیت تفکیک‌پذیری بعدی را تأمین می‌نمایند، بنابراین می‌توان با توجه به رابطه (۶) سهم و نقش هر یک از ابعاد و شاخصها را در شاخص نسبت سرشمار تعدیل شده (فقرچندبعدی) تعیین نمود. با توجه به تمرکز مطالعه بر فقر آموزشی این امر برای بعد آموزش و دو شاخص سالهای تحصیل سرپرست خانوار و تحصیل کودکان در جدول شماره ۳ خلاصه شده است. سهم بعد آموزش از فقر چندبعدی در دو سال مورد بررسی بسیار بالا و قابل توجه است. ملاحظه می‌شود که حداقل نیمی از فقر چندبعدی موجود در کشور به واسطه محرومیتهای آموزشی است. سهم بعد آموزش از فقر چندبعدی در مناطق روستایی از ۵۹/۳ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۵۰/۵ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته و در مناطق شهری نیز

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

سهم ۵۴/۱ درصدی بعد آموزش به ۴۹/۷ درصد رسیده است. در میان دو شاخصِ ذیلِ بعد آموزش نیز ملاحظه می‌شود که شاخص تحصیلات سرپرست خانوار از نقشی بسیار بالا برخوردار است به طوری که در سال ۱۳۹۴ معادل ۴۵/۴ درصد از سهم فقر چندبعدی روستایی و ۴۷/۶ درصد از سهم فقر چندبعدی شهری به عهده سالهای تحصیل پایین سرپرست خانوارها است. نکته قابل ملاحظه دیگر تقلیل سهم شاخص تحصیل کودکان در فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی است. آنگونه که ملاحظه می‌شود، تحصیل نکردن کودکان ۶ تا ۱۶ ساله کشور نقشی پایین‌تر را در طول زمان در فقر چندبعدی دارد.

جدول ۳: سهم بعد آموزش و شاخصهای آن در فقر چندبعدی - درصد

سهم در فقر	۱۳۸۴		۱۳۹۴	
	روستایی	شهری	روستایی	شهری
بعد آموزش	۵۹,۴۲	۵۴,۱۳	۵۰,۴۹	۴۹,۷
سالهای تحصیل سرپرست	۳۹,۶۴	۴۳,۳۹	۴۵,۳۸	۴۷,۶۰
تحصیل کودکان	۱۹,۷۸	۱۰,۲۳	۵,۱۱	۲,۱۱

همان گونه که اشاره شد، شاخص فقر چندبعدی جهانی برای ۱۰۴ کشور درحال توسعه به جز ایران ساخته می‌شود. با ساخت این شاخص برای ایران طبق متدولوژی مورد استفاده در این شاخص، امکان مقایسه ایران با کشورهای جهان نیز میسر می‌شود. با توجه به شاخص فقر چندبعدی محاسبه شده برای ایران، در میان ۱۰۵ کشور در حال توسعه ایران در میانه قرار می‌گیرد و رتبه ۵۲ را به خود اختصاص می‌دهد. حال اگر کشورها بر حسب سهم بعد آموزش از فقر چندبعدی طبقه‌بندی شوند، ایران پنجمین کشور از نظر بالاترین سهم بعد آموزش از فقر چندبعدی است. ماداگاسکار، سوریه، مصر و عراق تنها کشورهایی هستند که سهم آموزش در فقر آنها بیش از ایران است. البته باید توجه داشت که این مقایسه چندان معتبر نیست، چه آنکه شاخص فقر چندبعدی در میان کشورها از ۰/۰۰۱ تا ۰/۶۰۵ متفاوت است. یعنی اگر تمام بار فقر چندبعدی کشور ابتدایی طیف را بعد آموزش به دوش بکشد، بازهم میزان محرومیت آموزشی آن کمتر از کشور انتهایی طیف خواهد بود، حتی اگر تنها یک درصد از فقر چندبعدی به واسطه بعد آموزش رخ داده باشد. اگر به کشورهایی نگاه کنیم که میزان فقر چندبعدی آنها نزدیک ایران است، مقایسه سهم بعد آموزش در فقر برای این کشورها می‌تواند مناسب‌تر باشد. در میان کشورهایی که شاخص فقر چندبعدی محاسبه شده برای آنها نزدیک ایران است (بوتان، گواتمالا، بولیوی و هندوراس)

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

ایران بیشترین سهم بعد آموزش در فقر چندبعدی را دارد. در اینجا باید اشاره کنیم که در بعد آموزش، مسئله مهم سواد سرپرست خانوار است. چرا که اگر سهم شاخص تحصیل کودکان از فقر چندبعدی را مورد توجه قرار دهیم، ایران یکی از کشورهایی است که این متغیر کمترین سهم را در فقر چندبعدی آن دارد و از این حیث تنها ۷ کشور وضعیت بهتری نسبت به ایران دارند.

آموزش نه تنها در شاخص فقر چندبعدی کشور بلکه در سایر شاخصهای رفاهی نیز نقش بااهمیتی را بازی می‌نماید. یکی از مهم‌ترین شاخصهایی که برای بررسی سطح توسعه کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد، شاخص توسعه انسانی (HDI) است. بعد آموزش در این شاخص نیز نقش اساسی دارد. بر اساس اطلاعات سال ۲۰۱۵ این شاخص، ایران در رتبه شصت و نهم در میان ۱۵۴ کشور جهان قرار می‌گیرد. اما اگر شاخص آموزش در زیرمجموعه شاخص توسعه انسانی معیار رتبه‌بندی و مقایسه باشد، رتبه ایران به هفتادو هفتم نزول می‌کند.

۲. محاسبه فقر آموزشی

از به کاربستن رویکرد الکایر و فوستر روی متغیرهای مربوط به بعد آموزش شاخص فقر چندبعدی جهانی می‌توان میزان فقر آموزشی را مورد بررسی قرار داد. همان‌گونه که در بخش مربوط به مبانی نظری تشریح شد، روش AF یک روش دو مرحله‌ای است که برای دستیابی به شاخص آن نیازمند تعیین یک حدثانی (k) هستیم. در محاسبه فقر آموزشی با توجه به اینکه برگرفته از MPI جهانی است، تنها دو شاخص سالهای تحصیل و تحصیل کودکان مورد توجه قرار می‌گیرد. این بدان معنی است که $d = 2$ است. بنابراین حدثانی می‌تواند ۱ یا ۲ باشد. در جدول شماره ۴ فقر آموزشی در این دو حالت مورد بررسی قرار گرفته است. وقتی که خانوار در هیچ‌یک از دو بعدِ در نظر گرفته شده محروم نباشد، جزو خانوارهای فقیر طبقه‌بندی نخواهد شد. وقتی که خانوار تنها در یکی از دو بعد محروم باشد ($k=1$) این وضعیت را می‌توان به فقر و هنگامی که خانوار در هر دو بعد فقیر باشد ($k=2$) می‌توان این وضعیت را به فقر مفرط یا فقر شدید تعبیر نمود.

در سال ۱۳۸۴ نزدیک به ۶۷ درصد از خانوارهای روستایی و ۴۶/۴ درصد از خانوارهای شهری از فقر آموزشی رنج می‌برده‌اند. به عبارت دیگر در ۶۷ درصد از خانوارهای روستایی و ۴۶/۴ درصد از خانوارهای شهری، یا سرپرست خانوار کمتر از ۵ سال تحصیلات داشته است یا در خانواده کودک در سن تحصیلی (۶ تا ۱۶ سال) وجود داشته که از تحصیل محروم بوده است. در سال ۱۳۹۴ این نسبتها به ۶۵/۸ درصد و ۴۱/۸ درصد رسیده و به شکلی جزئی کاهش یافته است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

در سال ۱۳۸۴ در حدود ۱۲/۷ درصد از خانوارهای روستایی و ۳/۳۴ درصد از خانوارهای شهری از فقر مفرط آموزشی رنج می‌برده‌اند. اما در سال ۱۳۹۴ این فقر مفرط با کاهش قابل توجهی مواجه شده و نرخ فقر مفرط روستایی از ۱۲/۷ درصد به ۳ درصد و نرخ فقر مفرط شهری از ۳ درصد به ۰/۹ درصد کاهش یافته است.

جدول ۴: فقر آموزشی در مناطق شهری و روستایی (درصد) و معناداری تفاوت آنها در طول زمان

شاخص	۱۳۸۴		۱۳۹۴		تفاوت در مناطق روستایی		تفاوت در مناطق شهری	
	روستایی	شهری	روستایی	شهری	آماره z	کمیت p	آماره z	کمیت p
نسبت سرشمار فقر آموزشی	۶۷,۰۹	۴۶,۲۴	۶۵,۷۱	۴۱,۸۲	۲,۶۳	۰,۰۰۹	۸,۱۶	۰,۰۰۰
نسبت سرشمار فقر آموزشی	۱۲,۷۳	۳,۳۸	۳,۰۲	۰,۹۳	۳۴,۰۹	۰,۰۰۰	۱۵,۶۱	۰,۰۰۰

موضوع با اهمیتی که در بررسی فقر آموزشی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، وضعیت استانهای کشور از نظر فقر آموزشی است. در سال ۱۳۸۴ بالاترین نرخ فقر روستایی مربوط به استان سمنان (۷۶/۵ درصد) و پایین‌ترین نرخ فقر روستایی مربوط به استان گلستان (۵۹/۳ درصد) بوده است. در این سال استانهای قم، مرکزی، اردبیل، آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و قزوین همگی نرخ فقر روستایی بیش از ۷۰ درصد داشته‌اند. در سال ۱۳۹۴ نرخ فقر روستایی استان قم، بیشینه کشور بوده (۷۸/۹ درصد) و تهران با ۵۱/۲ درصد کمترین نرخ فقر روستایی را داشته است. وقتی که معیار نرخ فقر آموزشی شدید را در روستاها مورد توجه قرار می‌دهیم، وضعیت با تغییر زیادی همراه می‌شود. استان سمنان که از بالاترین نرخ فقر در سال ۱۳۸۴ برخوردار بود، در همین سال از پایین‌ترین نرخ فقر شدید روستایی (۴/۵ درصد) رنج می‌برد، حال آنکه استان لرستان با نرخ ۲۰/۳ درصد بالاترین نرخ فقر شدید مناطق روستایی کشور را در سال ۱۳۸۴ به خود اختصاص داده است. فقر شدید روستایی از کاهشی چشم‌گیر در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۸۴ برخوردار شده، به طوری که بالاترین نرخ فقر شدید روستایی در سال ۱۳۹۴ با ۹/۲ درصد مربوط به استان سیستان و بلوچستان است و کمترین میزان فقر شدید روستایی هم مربوط به مازندران است (۰/۲ درصد).

در نرخ فقر شهری در سال ۱۳۸۴ بالاترین نسبت مربوط به استان قم (۵۷/۸ درصد) و پایین‌ترین نسبت مربوط به استان سمنان (۳۶/۸ درصد) بوده است. اما در سال ۱۳۹۴ استان کردستان با ۵۳/۹ درصد بیشترین و استان تهران با ۳۱/۲ درصد کمترین نرخ فقر مناطق شهری کشور را به خود اختصاص داده‌اند. بالاترین نرخ فقر شدید مناطق شهری در سال ۱۳۸۴ مربوط به

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

استان سیستان و بلوچستان (۸/۴ درصد) و در سال ۱۳۹۴ نیز با ۵ درصد مربوط به همین استان است[۱].

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فقر یک مقوله چندبعدی است. این امر در سالیان اخیر در اندازه‌گیری فقر مورد توجه قرار گرفته و ماهیت چندبعدی فقر از خلال روشهای گوناگون به مقوله اندازه‌گیری وارد شده است. با این وجود، وارد کردن طبیعت چندبعدی فقر به موضوع سنجش آن در ایران کمتر مورد توجه بوده است. چه آنکه اساساً به واسطه دشواری کار با ریزداده‌ها، پژوهش در حوزه فقر کمتر پژوهشگری را مجذوب خود ساخته است و حتی در مقوله فقر درآمدی نیز جای بسیاری از مطالعات و تحقیقات خالی به نظر می‌رسد. با گسترش مفهوم فقر چندبعدی، رابطهٔ فقر و آموزش از رابطه علت و معلولی خارج و محرومیت در آموزش خود به منزلهٔ بخشی از مفهوم و ماهیت فقر معرفی شد. بنابراین تقریباً در تمامی مطالعاتی که در حوزه فقر چندبعدی صورت پذیرفته است، موضوع آموزش به منزلهٔ یکی از ابعاد مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. چارچوب فقر چندبعدی این امکان را ایجاد می‌کند که مفهوم فقر آموزشی تبیین و مقدار آن سنجش شود.

در این مقاله پس از معرفی مفاهیم فقر چندبعدی، بحث شد که چگونه می‌توان از شاخصهای اندازه‌گیری الکایر و فوستر به منظور اندازه‌گیری فقر چندبعدی و فقر آموزشی استفاده کرد و چگونه خاصیت تفکیک‌پذیری بعدی معیارهای الکایر و فوستر اجازه می‌دهد که سهم فقر آموزشی از فقر چندبعدی محاسبه شود. آنگاه شاخصهای فقر چندبعدی برای مناطق شهری و روستایی کشور در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴ محاسبه شد.

نتایج نشان می‌دهد که در فاصله زمانی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴، شیوع فقر به معنای نسبت افرادی که با فقر چندبعدی مواجه اند هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی کشور افزایش یافته، اما در مقابل شدت فقر (به معنای میزان فقری که افراد فقیر با آن مواجه بوده‌اند) کاهش یافته است. در واقع شدت فقر افرادی که با فقر مواجه بوده‌اند به طور متوسط در سال ۱۳۹۴ بیشتر از ۱۳۸۴ بوده است. معیار نسبت سرشمار تعدیل شده الکایر و فوستر که برآیند شیوع و شدت فقر است، در مناطق روستایی با اندکی کاهش مواجه بوده است که البته این کاهش به لحاظ آماری معنادار نیست. در مقابل نسبت سرشمار تعدیل شده فقر چندبعدی در مناطق شهری کشور در فاصله زمانی مورد بررسی، با وجود کاهش شیوع فقر با افزایشی قابل ملاحظه مواجه بوده و از ۰/۰۶ به ۰/۰۹ افزایش یافته است (بیش از یک و نیم برابر شده است). بنابراین آنچه به عنوان معیار

۱. جزئیات در پیوست ۱ قابل ملاحظه است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

مناسب ارزیابی فقر چندبعدی شناخته می‌شود (نسبت سرشمار تعدیل شده الکایر فوستر) در دوره مورد بررسی با افزایش همراه بوده است.

با تجزیه شاخص نسبت سرشمار تعدیل شده به ابعاد و شاخصهای تشکیل دهنده آن و تعیین نقش هریک از ابعاد و شاخصها در شکل‌دهی به شاخص فقرچندبعدی کشور، به خوبی قابل ملاحظه است که فقر آموزشی تا چه میزان مهم بوده و چه سهم بزرگی از فقر در کشور به واسطه وجود فقر آموزشی است. همان‌گونه که بحث شد بیش از نیمی از بار فقر چندبعدی را فقر در بُعد آموزش به دوش می‌کشد که در این میان بالا بودن نسبت خانوارهایی که سرپرست آنها کمتر از ۵ سال تحصیلات دارد، قابل تعمق است. نکته اینجا است که وجود کودک ۶ تا ۱۶ ساله‌ای که تحصیل نمی‌کند به منزلهٔ یک متغیر در سال ۱۳۹۴ سهمی به مراتب کمتر را نسبت به سال ۱۳۸۴ داشته است و اساساً نقش آن در فقر چندبعدی چندان قابل توجه نیست. مقایسه وضعیت ایران با کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که در حالی که ایران از نظر شاخص فقر چندبعدی رتبه ۵۲ را در میان ۱۰۵ کشور دارد، از نظر سهم آموزش از فقر چندبعدی در رتبه پنجم بالاترین سهم قرار می‌گیرد. این امر از مقایسه زیرشاخص آموزش در شاخص توسعه انسانی نیز می‌تواند استنباط شود. در حالی که بر اساس اطلاعات سال ۲۰۱۵ شاخص توسعه انسانی، ایران رتبه شصت و نهم را در میان ۱۵۴ کشوری دارد که شاخص توسعه انسانی برای آنها محاسبه می‌شود، در زیرشاخص آموزش رتبه ایران به هفتاد و هفتم تنزل می‌یابد. بنابراین به نظر می‌رسد بعد آموزش در مقایسه با سایر ابعاد توسعه انسانی و فقر چندبعدی به توجه بیشتری نیازمند است. این بدان معناست که یکی از راههای ممکن برای کاهش شاخص فقر چندبعدی و نیز شاخص توسعه انسانی در کشور آن است که وضعیت آموزشی بهبود یابد. در این میان پرداختن به وضعیت تحصیلی سرپرستان خانوارها از قبیل برنامه‌های گوناگون برای سوادآموزی بزرگسالان می‌تواند بیشترین نقش را در کاهش شاخص فقر چندبعدی ایران داشته باشد.

در این مطالعه افزون بر استفاده از متدولوژی اندازه‌گیری فقر چندبعدی الکایر و فوستر، فقر آموزشی و فقر آموزشی شدید نیز در مناطق شهری و روستایی در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴ بررسی شده است. به منظور تطابق با شاخصهای معرفی شده در فقر چندبعدی که در آن حوزه آموزش همسنگ سلامت و برخورداری از استانداردهای زندگی در نظر گرفته شده است، در ساخت شاخص فقر آموزشی علاوه بر متدولوژی، متغیرهای مورد استفاده در MPI جهانی به کار رفته اند. این امر گذشته از آنکه اطمینان از مناسب بودن شاخصهای در نظر گرفته شده را افزایش می‌دهد (به عنوان پشتوانه نظری بین‌المللی موجود) امکان مقایسه با سایر کشورها در یک چارچوب استاندارد

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

را نیز ممکن می‌سازد. نتایج نشان می‌دهد که فقر آموزشی (نسبت افرادی که با فقر آموزشی مواجه اند) در سال ۱۳۹۴ در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۴۲ و ۶۶ درصد بوده که اندکی پایین‌تر از ارقام سال ۱۳۸۴ است. در مقابل فقر شدید کاهشی نسبتاً شدیدتر را تجربه نموده، به طوری که در مناطق روستایی از ۱۲/۷ درصد به ۳ درصد و در مناطق شهری از ۳/۴ درصد به ۰/۹ درصد رسیده است. دلیل این کاهش در مقادیر فقر و فقر شدید آموزشی نیز تقریباً روشن است. کاهش شمار فرزندان خانوارها، افزایش درجه شهرنشینی و بهبود وضعیت فرهنگی در دوره مورد بررسی از منظر اهمیت یافتن موضوع آموزش کودکان، در کنار وجود دسترسی به آموزش رایگان برای همگان، سبب شده است که نسبت کمتری از کودکان از تحصیل محروم بمانند. به علاوه تغییر نسل و گرایش به سمت آموزش بیشتر نیز سبب شده است تا نسبت خانوارهایی که سرپرست آنها کمتر از ۵ سال تحصیل دارند یک روند نزولی داشته باشد. مجموعه این تنزل در برآیند به کاهش فقر آموزشی و فقر شدید آموزشی منجر شده است.

نتیجه می‌گیریم که فقر چندبعدی در ایران بیش از هر بعد دیگری از بعد آموزش و بیش از هر متغیر دیگری از تحصیلات سرپرست خانوار متأثر است. از طرفی هم نرخ فقر آموزشی نیز در کشور و به ویژه در مناطق روستایی کشور بسیار بالا است. این‌ها همه حاکی از لزوم پرداختن هرچه بیشتر به مقوله آموزش برای کاهش فقر است. امروزه با پیشرفت فناوری فقدان آموزش بیش از گذشته رفاه خانوارها را تحت تأثیر قرار داده و در قابلیت آنها برای کسب مطلوبیت از فناوریهای نوظهور مؤثرتر از گذشته است. رتبه‌بندی که در زمینهٔ وضعیت فقر آموزشی استانهای گوناگون در این مقاله ارائه شده است می‌تواند استانهای محروم را نشان دهد و اولویتها را برای کنترل فقر آموزشی مشخص سازد. از طرفی هم تغییر در مقادیر فقر در استانها نشان می‌دهد که کدام‌یک از عملکردی مناسب برخوردار بوده‌اند و تجربیات آنها می‌تواند برای برنامه‌های مبارزه با فقر آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

روش‌شناسی معرفی شده و به کارگرفته شده در این مطالعه می‌تواند دستمایه‌ای برای ساخت شاخصهایی متکامل از فقر آموزشی قرار گیرد. در این مطالعه به دلیل لزوم پایبندی به شاخصهای موجود در MPI تنها دو شاخص به منزلهٔ نماگرهای محرومیت آموزشی مورد توجه قرار گرفته است، اماچنانچه پرداختن به فقر آموزشی تنها مسئله مورد توجه باشد و از مقایسه‌های بین‌المللی چشمپوشی شود، امکان افزودن متغیرهای بیشتر و ساختن یک شاخص متکامل از فقر آموزشی با استفاده از رویکرد الکایر و فوستر وجود خواهد داشت.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

منابع

معززی، فاطمه؛ شوکت فدایی، محسن و شیروانیان، عبدالرسول. (۱۳۹۵). فقر آموزشی و عوامل تعیین‌کننده آن در جامعه روستایی ایران. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۹ (۱)، ۷۳-۹۴.

Alkire, S., & Foster, J. (2011). Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of Public Economics, 95*(7-8), 476-487.

Alkire, S., Foster, J., Seth, S., Santos, M. E., Roche, J. M., & Ballon, P. (2015). *Multidimensional poverty measurement and analysis*. Oxford: Oxford University Press.

Alkire, S., Roche, J. M., & Vaz, A. (2015). *Changes over time in multidimensional poverty: Methodology and results for 34 countries*. OPHI Working Papers 76, University of Oxford.

Batana, Y. M. (2013). Multidimensional measurement of poverty among women in Sub-Saharan Africa. *Social Indicators Research, 112*(2), 337-362.

Battiston, D., Cruces, G., Lopez-Calva, L. F., Lugo, M. A., & Santos, M. E. (2013). Income and beyond: Multidimensional poverty in six Latin American countries. *Social Indicators Research, 112*(2), 291-314.

Castro, J. F., Baca, J., & Ocampo, J. P. (2012). (Re)counting the poor in Peru: A multidimensional approach. *Latin American Journal of Economics, 49*(1), 37-65.

Dhongde, S., & Haveman, R. (2017). Multi-dimensional deprivation in the US. *Social Indicators Research, 133*(2), 477-500.

Narayan-Parker, D., & Patel, R. (2000). *Voices of the poor: Can anyone hear us?* (Vol. 1). New York: World Bank Publications.

Sen, A. (1976). Poverty: An ordinal approach to measurement. *Econometrica, 44*(2), 219-231.

_____ (1985). Well-being, agency and freedom: The Dewey lectures 1984. *Journal of Philosophy, 82*(4), 169-221.

Tsui, K.-y. (2002). Multidimensional poverty indices. *Social Choice and Welfare, 19*(1), 69-93.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

پیوست ۱: نرخ فقر آموزشی و فقر آموزشی شدید در استانها - درصد

استان	۱۳۸۴				۱۳۹۴			
	روستایی		شهری		روستایی		شهری	
	فقر	فقر شدید	فقر	فقر شدید	فقر	فقر شدید	فقر	فقر شدید
آذربایجان شرقی	۷۱,۰	۱۱,۸	۴۹,۹	۴,۴	۷۳,۸	۴,۸	۴۹,۳	۱,۳
آذربایجان غربی	۶۲,۴	۱۹,۶	۴۶,۲	۳,۹	۷۰,۶	۶,۰	۵۱,۳	۱,۱
اردبیل	۷۳,۱	۱۴,۰	۵۴,۴	۳,۱	۷۲,۳	۵,۰	۴۴,۸	۰,۷
اصفهان	۶۵,۲	۴,۹	۴۸,۹	۲,۸	۷۰,۰	۰,۷	۴۴,۵	۰,۶
ایلام	۶۷,۴	۹,۰	۵۰,۰	۱,۱	۶۵,۳	۲,۹	۴۷,۶	۰,۲
بوشهر	۶۱,۴	۸,۸	۴۵,۹	۴,۳	۵۴,۱	۰,۸	۴۰,۸	۱,۰
تهران	۶۲,۵	۶,۲	۴۱,۲	۱,۵	۵۱,۲	۱,۵	۳۱,۱	۰,۵
چهارمحال و بختیاری	۶۶,۱	۱۱,۵	۵۶,۲	۲,۹	۶۰,۶	۲,۲	۴۲,۶	۰,۰
خراسان جنوبی	۷۰,۶	۱۳,۵	۴۵,۰	۳,۹	۶۸,۱	۱,۷	۴۲,۹	۰,۸
خراسان رضوی	۶۷,۶	۱۷,۸	۴۵,۵	۴,۳	۶۴,۵	۴,۹	۳۹,۹	۰,۹
خراسان شمالی	۶۹,۱	۱۹,۴	۴۸,۰	۳,۰	۶۸,۵	۴,۲	۴۲,۴	۰,۷
خوزستان	۶۵,۹	۱۷,۲	۴۰,۰	۳,۰	۶۷,۳	۶,۲	۴۶,۴	۱,۹
زنجان	۶۶,۳	۲۰,۲	۵۲,۸	۲,۱	۶۹,۷	۲,۷	۴۷,۰	۰,۳
سمنان	۷۶,۵	۴,۵	۳۶,۸	۲,۹	۷۲,۰	۱,۲	۳۹,۹	۰,۶
سیستان و بلوچستان	۷۰,۷	۱۳,۱	۴۶,۷	۸,۴	۶۵,۱	۹,۲	۴۵,۳	۵,۰
فارس	۶۶,۲	۷,۶	۴۵,۹	۲,۸	۶۵,۰	۲,۱	۴۲,۰	۱,۰
قزوین	۷۰,۲	۱۲,۶	۴۶,۷	۵,۱	۶۸,۲	۲,۹	۴۵,۳	۰,۰
قم	۷۳,۵	۱۴,۰	۵۷,۸	۷,۷	۷۸,۹	۲,۹	۴۲,۶	۱,۲
کردستان	۶۷,۱	۱۹,۶	۵۱,۰	۴,۰	۷۳,۶	۵,۹	۵۳,۹	۱,۷
کرمان	۶۷,۹	۱۲,۹	۴۲,۰	۳,۷	۶۴,۲	۱,۳	۳۸,۹	۱,۲
کرمانشاه	۶۲,۴	۱۷,۶	۵۰,۸	۵,۱	۶۶,۹	۳,۳	۴۶,۲	۱,۳
کهگیلویه و بویراحمد	۶۳,۵	۷,۶	۳۸,۸	۲,۰	۶۳,۲	۱,۳	۳۴,۶	۰,۶
گلستان	۵۹,۳	۱۵,۵	۴۱,۷	۳,۲	۶۱,۸	۴,۸	۴۲,۴	۱,۵
گیلان	۶۸,۰	۶,۹	۳۸,۲	۱,۸	۶۹,۸	۰,۸	۴۰,۷	۰,۹
لرستان	۶۲,۴	۲۰,۳	۴۸,۵	۴,۵	۶۷,۱	۲,۱	۴۴,۲	۰,۶
مازندران	۶۳,۰	۵,۹	۴۱,۷	۲,۲	۵۲,۷	۰,۲	۳۳,۱	۰,۰
مرکزی	۷۳,۳	۱۳,۱	۵۴,۱	۲,۸	۶۹,۶	۲,۵	۴۴,۵	۰,۲
هرمزگان	۶۸,۰	۱۵,۲	۴۷,۵	۳,۶	۶۶,۵	۳,۶	۳۷,۶	۰,۹
همدان	۶۸,۲	۱۷,۳	۵۷,۶	۳,۲	۶۷,۹	۱,۴	۴۵,۳	۰,۰
یزد	۶۸,۴	۸,۶	۴۵,۸	۴,۳	۵۵,۰	۰,۸	۳۶,۹	۰,۸

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1397.34.2.4.6]
[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-09]